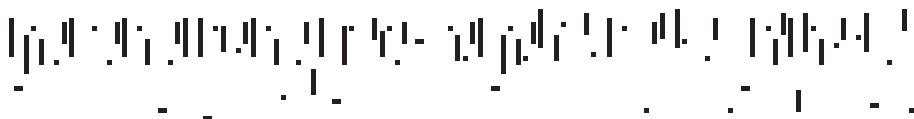


بِه نامِ خُدا



- سرشناسه: هاروی، دانا جین، ۱۹۴۴ - م. Haraway, Donna
- عنوان و نام پدیدآور: مانیفست سایبورگ: علم، فناوری، و فمینیسم سوسیالیستی در پایان سده بیستم/ دانا هاروی؛ ترجمه سهیل رضانژاد.
- مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۴۰۵.
- مشخصات ظاهری: ۹۳ ص.
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۶-۴۴۷-۲
- وضعیت فهرست نویسی: فیپا
- یادداشت: عنوان اصلی: A cyborg manifesto: science, technology, and socialist - feminism in the late twentieth century.
- یادداشت: کتابنامه: ص. ۷۵-۸۷.
- عنوان دیگر: علم، فناوری، و فمینیسم سوسیالیستی در پایان سده بیستم.
- موضوع: سایبورگ ها Cyborgs
- فمینیسم و علوم Feminism and science
- شناسه افزوده: رضانژاد، سهیل، ۱۳۶۵-، مترجم
- رده بندی کنگره: TJ۲۱۱
- رده بندی دیویی: ۶۲۹/۸۹۲
- شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۴۷۸۳۰۷
- اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا



دانشگاه دانا

علم، فناوری، و فمینیسم سوسیالیستی
در پایان سده بیستم

دانا هاراوی

ترجمه سهیل رضانژاد



۱۰۰ | ۱۰۰

به مینا جعفری

و تصنیف‌های سایبورگیش

۱۰۰

۱۰۰

این کتاب ترجمه‌ای است از:

A Manifesto for Cyborgs: Science, Technology, and Socialist Feminism in the 1980s

Donna Haraway

Socialist Review, 1985, Vol. 15



مانیفست سایبورگ

علم، فناوری، و فمینیسم سوسیالیستی در پایان سده بیستم

دانا هاراوی

ترجمه سهیل رضائزاد

طراح جلد و گرافیک متن: حبیب ایلون

چاپ اول: ۱۴۰۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ: رسام

همه حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتراز میدان ونک، شماره ۲۴۹۳

تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴



فهرست

سیاسگزاری ۳ نه

رؤیایی طعن‌آلود دربارهٔ زبانی مشترک برای زنان در مدار یکپارچه ۱-۳

هویت‌های درهم‌شکسته ۱۳-۱

داده‌ورزی سلطه ۲۳-۲

اقتصاد «کار خانگی» بیرون از «خانه» ۳۳-۱

زنان در مدار یکپارچه ۴۳-۳

سایبورگ‌ها: اسطوره‌ای در باب هویت سیاسی ۵۱-۱

پی‌نوشت‌ها ۶۷-۱

کتابشناسی ۷۵-۳

سپاسگزاری

در ترجمهٔ این اثر از نسخهٔ ۱۹۹۱ این جستار، در کتاب میمون‌سانیان، سایبورگ‌ها و زنان: بازآبداع طبیعت^۱ و ترجمهٔ فرانسوی آن از کتاب مانیفست سایبورگ و جستارهای دیگر^۲ نیز بهره گرفته‌ام. در اینجا باید از پردیس قره‌بگلو تشکر کنم که بارها و بارها متن را بازخواند، واژه‌ها و اصطلاحات درخور پیشنهاد کرد، و راهنمایم در فهم متن بود. از میترا اندیشه شمس‌ی هم‌کلاس و دوست عزیزم سپاس‌گزارم که نخستین بار متن را به من معرفی کرد. همچنین از سامی آل‌مهدی متشکرم که به تشویق او ترجمهٔ متن را آغاز کردم. قدردان دوست دانشمند مهدی علوی گرامی نیز هستم که در مراحل پایانی و در فرصتی اندک، کار را بازخوانی و نکاتی ارزشمند گوشزد کرد.

1. *Simians, Cyborgs and Women: The Reinvention of Nature*, New York: Routledge, 1991, pp.149-181.

2. *Manifeste Cyborg et Autres Essais: Sciences, Fictions, Feminisms*, Paris: Exils Éditeur, 2007, pp. 29-106.

رؤیایی طعن‌آلود دربارهٔ زبانی مشترک برای زنان در مدار یکپارچه^۱

این جستار کوششی است برای بنیان نهادن طعن‌آلود اسطوره‌ای سیاسی، اسطوره‌ای مؤمن به فمینیسم، مؤمن به سوسیالیسم و ماتریالیسم. شاید حتی مؤمنانه‌تر از کفر، چون کفر نیز مؤمنانه است، دست‌کم مؤمنانه‌تر از نیایش و همانندپنداری^۲ خالصانه. گویی کفر باید همیشه همه‌چیز را جدی بگیرد. از میان مواضع سکولار-مذهبی^۳، سنت‌های سیاست اونجلیستی در ایالات متحد، که یکی‌شان سیاست فمینیسم سوسیالیستی است، هیچ موضعی بهتر از کفر سراغ ندارم. کفر انسان را از اکثریت اخلاقی^۴ درونش محافظت و همزمان بر نیاز او به اجتماع تأکید می‌کند. کفر ارتداد نیست. طعنه به تضادهایی مربوط است که حتی به شکل دیالکتیکی نیز در کلیتی

۱. همچنین به آی‌سی، مدار مجتمع یا ریزتراشه برگردانده شده است. منظور صفحه‌ای است که مدارهای الکترونیکی بر آن قرار می‌گیرد و چنان که خواهیم خواند اشاره‌ای است به شباهت آن با کار دستی زنان بومی آمریکا، مشابه قالی‌بافی، و استخدام زنان به همین دلیل در کارخانه‌های تولید تراشه. — م.

۲. identification؛ در باور مسیحی، مراد یکی دانستن خود با مسیح مصلوب و کوشش در فهم رنج او است، چنان که فرد با پذیرش مسیحیت فرزند خداوند (یوحنا ۱: ۳) و منتخب (پطرس ۲: ۹) و پیامبر (ارمیا ۵: ۱) او دانسته می‌شود. «همانندپنداری» معمولاً با نیایش و زاری نمود می‌یابد و در شکل‌های افراطی‌تر با تشبیه جسم با شلاق و به دوش کشیدن صلیب و کارهایی از این دست. رفتارهای مشابه که به ایمان نسبت داده می‌شود در دیگر ادیان نیز معمول است. — م.

۳. هاراوای آشکارا به رگه‌های مذهبی سیاست‌ورزی در ایالات متحد طعنه می‌زند، به‌ویژه آنجا که این سیاست در حوزه فمینیسم بروز می‌یابد. به بیان دیگر، سنتی که مدعای سکولاریسم دارد همچنان از ساختاری مذهبی برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌گیرد. — م.

۴. moral majority؛ طعنه‌ای است به سازمانی سیاسی-مذهبی، متعلق به راست افراطی، با همین نام. — م.

بزرگ‌تر حل نمی‌شوند؛ به تنش نگاه داشتن چیزهای ناسازگار در کنار هم مرتبط است، چون هر دو یا همه‌شان ضروری و درست هستند. طعنه به بازی شوخ‌طبعانه و جدی مربوط است. همچنین راهکاری لفاظانه است و روشی سیاسی، روشی که کاش در میان فمینیسم سوسیالیستی محترم‌تر شمرده شود. در دل ایمان طعن‌آلود من، در دل کفر من، تصویری است از سایبورگ.

سایبورگ اندامگانی است رایانیک^۱، ترکیبی^۲ از ماشین و موجود زنده: آفریده واقعیت اجتماعی و داستان‌های تخیلی. واقعیت اجتماعی مناسبات زیسته اجتماعی است، مهم‌ترین بر ساخت سیاسی ما، داستانی که جهان را دیگرگون می‌کند. جنبش‌های بین‌المللی زنان «تجربه زنان» را بر ساخته و نیز آن را، این امر جمعی و حیاتی را، آشکار یا کشف کرده است. این تجربه هم داستانی تخیلی است و هم واقعیت، تخیل و واقعیتی با ارزش سیاسی بسیار. پشتوانه‌هایی بر ساختی است از آگاهی یا فهم خلا قانه درباره سرکوب، و همچنین درباره امکان. سایبورگ داستانی خیالی و تجربه‌ای زیسته است که چستی تجربه زنان در پایان سده بیستم را دگرگون می‌سازد. کشمکشی بر سر مرگ و زندگی؛ هر چند مرزبندی میان داستان علمی‌تخیلی و واقعیت اجتماعی خطای دید است.

داستان‌های علمی‌تخیلی معاصر سرشارند از سایبورگ‌ها: آفریدگانی همزمان ماشین و حیوان، پرسیه‌زنان در جهانی که به ابهام هم طبیعی است و هم مصنوعی. پزشکی نوین نیز سرشار است از سایبورگ‌ها، سرشار از جفت شدن موجود زنده و ماشین، چنان که هر دو ابزاری کدگذاری شده تصور می‌شوند؛ این جفت شدن‌ها چنان صمیمانه و قدرتمندند که حتی در تاریخ جنسیت نیز تاکنون دیده نشده است.

۱. «سایبورگ ارگانیک است سایبرنتیک». در سراسر این متن مشتق‌های واژه اندام همچون اندامگان و اندام‌وار را برای اورگانیک و ارگانیک، و رایانیک را برای سایبرنتیک منحصر کرده‌ام. تصور می‌کنم مثلاً واژه ارگانیک برای گویشور زبان فارسی، بیش از آنکه اندام‌وارگی را به ذهن آورد، به طبیعی بودن اشاره می‌کند که در موارد بسیاری مراد نویسنده نبوده و بارها در متن طبیعی و اندام‌وارگی را از هم متمایز کرده است. همچنین ارجحیتی بر سایبرنتیک نیافتم و اکنون که ارگانیک را به اندامگان برمی‌گردانم، بهتر دانستم که برای سایبرنتیک نیز از رایانیک بهره‌جویم. اما برای سایبورگ که از ترکیب دو واژه بالا ساخته شده، هیچ اصطلاح مناسبی نیافتم و آن را به شکل اصلی نگاه می‌دارم. — م.

«آمیزش جنسی» سایبورگ برخی تکثیرهای پیچیده و دوست‌داشتنی سرخس‌ها و بی‌مهرگان را احیا می‌کند (درمانی پیشگیرانه و عالی برای برترانگاری دگرجنس‌گرایی^۱). تکثیر سایبورگ از تولیدمثل^۲ موجودات زنده جدا شده است. شیوهٔ تولید نوین شبیه رؤیای کار استعماری سایبورگ‌ها است، رؤیایی که کابوس تیلوریسم را روسفید می‌کند.^۳ جنگ‌های نوین عیاشی سایبورگ‌ها هستند، با اسم شب C³I، فرمان-نظارت-ارتباطات-اطلاعات^۴، تبصره‌ای ۸۴ میلیارد دلاری در بودجهٔ دفاعی سال ۱۹۸۴ ایالات متحد.

سخنم این است: سایبورگ قصه‌ای است که واقعیت اجتماعی و جسمانی ما را ترسیم می‌کند و منبعی خلاقانه که جفت شدن‌هایی بسیار ثمربخش را به ذهن می‌آورد. زیست‌سیاست^۵ میشل فوکو هشدار می‌دهد که خواب‌آلود از سیاست سایبورگ که خود عرصه‌ای کاملاً گشوده است.

در پایان سدهٔ بیستم، در زمانهٔ ما، در این عصر افسانه‌ای، ما همگی آمیژه^۶ هستیم، ترکیب‌هایی نظری و مصنوعی از ماشین و موجود زنده: کوتاه سخن، ما همگی سایبورگ هستیم. سایبورگ هستی‌شناسی ما است؛ سایبورگ سیاستمان را به ما می‌دهد. سایبورگ تصویر فشردهٔ تخیل و واقعیت مادی است، دو هستهٔ به هم پیوسته‌ای که هر نوع امکان تغییر تاریخی را شکل می‌دهند. در سنت‌های «غربی» علم و سیاست — سنت سرمایه‌داری نژادپرستانه و تحت سلطهٔ مردان؛ سنت پیشرفت؛ سنت تملک طبیعت و

1. heterosexism

۲. هاروی واژهٔ reproduction را همزمان در معنای بازتولید و تولیدمثل استفاده می‌کند. هرکجا یکی از این دو معنا آشکارا منظور او بوده آن را برگزیده‌ام و هرکجا همزمان هر دو معنا متبادر می‌شده به شکل بازتولید/تولیدمثل آورده‌ام. به هر روی، هر دو واژهٔ بازتولید و تولیدمثل تنها برای برگردان reproduction استفاده شده است. — م.

۳. تصور می‌کنم یکی از بهترین تفسیرها از شیوهٔ تولید نوین در کتابی بازگو شده باشد که به تازگی زیکا گیلین و کوری دکرو نگاشته‌اند و نام آن را «سرمایه‌داری گلوگاهی» نهاده‌اند. در این «شیوهٔ تولید»، که باید آن را به سنت هاروی طعن‌آلود خواند، سرمایه در گلوگاه مستقر می‌شود و با فشردن گلولی رابطهٔ میان تولیدکننده و مصرف‌کننده، فروشنده و خریدار، هنرمند و مخاطب، نه تنها بر سود خود بلکه بر دستمزدها و میزان مصرف و غیره نیز نظارت می‌کند. به راستی که این شیوهٔ تولید «رؤیایی» است «که کابوس تیلوریسم را روسفید می‌کند». در همین معنای استقرار و تملک گلوگاه است که هاروی از کار مستعمره‌سازی سخن می‌گوید؛ در اینجا است که کارگران بخش رایانش، آی‌تی‌من‌ها، سربازان استعمارگری هستند که زمین خدا را به نام ملکه تصاحب می‌کنند. — م.

4. Command-Control-Communication-Intelligence

5. biopolitics

6. chimera

تبدیل آن به منبعی برای تولید فرهنگ؛ سنت بازتولید خویشتن از بازتاب دیگری — رابطه میان موجود زنده و ماشین همچون جنگی مرزی بوده است. غنایم این درگیری مرزی قلمروهای تولید، تولیدمثل/بازتولید و تخیل بوده‌اند. این جستار مدافع لذت است، آن هم در مرزهای مغشوش آن و نیز مسئولیتی که لذت برمی‌سازد. همچنین، کوششی است برای مشارکت در فرهنگ و نظریهٔ سوسیالیستی فمینیستی به سبکی پسانوگرا و غیرطبیعت‌گرا و در سنت آرمان‌شهری تخیل جهانی بدون جنسیت، که شاید جهانی است بدون داستان پیدایش، و حتی شاید جهانی بدون رستاخیز. سایبورگ بیرون از تاریخ رستگاری تجسم می‌یابد. همچنین، سایبورگ در تقویم ادیبی روزی را نشان نمی‌گذارد تا با آن شکاف‌های دهشتناک جنسیتی را با نوعی آرمان‌شهر همزیستی دهانی یا آخرالزمانی پسادیبی التیام بخشد. چنان‌که زوئی سوفولیس^۱ در دست‌نوشتهٔ منتشرنشده‌اش با نام «لکلاین»^۲ دربارهٔ ژک لکان^۳، ملانی کلاین^۴، و فرهنگ هسته‌ای استدلال می‌کند، مخوف‌ترین و شاید بااستعدادترین هیولاهای جهان‌های سایبورگی در روایت‌های غیرادیبی و با منطق سرکوب متفاوتی تجسم می‌یابند، روایت‌هایی که ما برای نجات نیازمند فهمشان هستیم.^[۱]

سایبورگ آفریده‌ای است در جهانی پسا جنسیتی؛ او هیچ ارتباطی با دوجنس‌خواهی، همزیستی پیش‌ادیبی، کار بیگانه‌نشده، یا دیگر فریبندهای تمامیت^۵ اندام‌وار ندارد که به مدد تملک قطعی قدرت تک‌تک اجزا، درون وحدتی در مرتبه بالاتر ممکن شده باشد. به یک معنا، سایبورگ از پیشینهٔ داستانی در معنای غربی آن بی‌نصیب است — و این طعنه‌ای «قطعی» است، چون سایبورگ غایت^۶ آخرالزمانی و ناخوشایندی از غلبهٔ فزایندهٔ فردگرایی انتزاعی در «غرب» است؛ حد‌نهایی خویشتنی که در آخر از هرگونه وابستگی رها شده: انسانی در فضا. پیشینهٔ داستانی

1. Zoë Sofoulis

2. Lacklein

3. Jacques Lacan

4. Melanie Klein

۵. wholeness؛ چنان‌که از مقدمهٔ هاروی برمی‌آید، طعنهٔ او، شاید بیش از هر چیز، گفتمان مسیحی در ایالات متحد را نشان می‌گیرد و از این رو هنگامی که «تمامیت» را انکار می‌کند معنایی مسیحی از آن در ذهن دارد. «تمامیت» در مسیحیت به این معنا است که همه چیز حاضر باشد، همهٔ اجزا کامل باشند و به هیچ بخشی نیاز نباشد. در متن تمام و تمامیت را تنها برای همین اصطلاح به کار برده‌ام و هر جا امکان ترجمه به تمامیت نبوده آن را در قلاب آورده‌ام. — م.

6. telos

در معنای «غربی» و انسان‌گرایانهٔ آن به اسطورهٔ وحدت نخستین، کمال^۱، سعادت و عذاب وابسته است، اسطوره‌هایی که مادر نرآندامه^۲ نمایندگی‌شان می‌کند، مادری که همهٔ انسان‌ها باید از او جدا شوند، یعنی تکلیفی برای رشد فردی و تاریخی که دو اسطورهٔ توانمند هستند و به قدرتمندترین شکل در روانکاوی و مارکسیسم برایمان نگارش شده‌اند. هیلاری کلاین^۳ استدلال می‌کند که هم مارکسیسم و هم روانکاوی — به‌ترتیب با مفاهیم کار و فردیت، و شکل‌گیری جنسیت — به پیرنگ داستانی وحدت نخستین وابسته‌اند، و از دل همین پیرنگ است که باید، در نمایشی از سلطهٔ فزاینده بر زن/طبیعت، تفاوت را تولید و ثبت کرد.^[۲] سایبورگ گام وحدت نخستین را حذف می‌کند؛ گام همانندپنداری با طبیعت در معنای غربی آن را. این است عهد نامشروع سایبورگ که شاید منجر به انحراف غایت‌شناختی^۴ آن به شکل و شمایل جنگ ستارگان^۵ شود.

سایبورگ قاطعانه متعهد است به جانبداری، طعنه زدن، صمیمیت و انحراف. او مخالف، خیال‌پرست^۶ و کاملاً به دور از معصومیت است. سایبورگ از تضاد میان عمومی و خصوصی سر و شکل نمی‌گیرد، بلکه پولیس^۷ یا شهری فناوریانه را تعریف می‌کند که تا حدودی بر انقلاب مناسبات اجتماعی در اویکوس^۸ یا خانه بنا شده. طبیعت و فرهنگ بازاندیشی شده‌اند؛ دیگر نمی‌توان یکی را منبعی کرد برای تصاحب دیگری یا ادغام در آن. در جهان سایبورگ روابط ساخت تمامیت‌ها از اجزا به بحث کشیده می‌شود؛ از جمله روابط سلطهٔ سلسله‌مراتبی و مبتنی بر تضاد. بر خلاف امیدهای هیولای فرانکشتاین، سایبورگ از پدرش انتظار ندارد که با احیای بهشت نجاتش دهد؛ یعنی با ساختن همدمی دگرجنس خواه و جعلی، با تکمیل کردن او در تمامیتی فرجامین، مثل شهر، مثل کائنات. سایبورگ رؤیای اجتماع مبتنی بر الگوی خانوادهٔ اندام‌وار را در سر ندارد، حتی بدون پروژهٔ ادیبی. سایبورگ

۱. fullness: احتمالاً در سنت اسلامی بتوان آن را با اسطورهٔ «برکت» یکسان دانست. — م.

2. Phallic mother

3. Hilary Klein

4. teleologic

۵. *Star Wars*: مراد سه‌گانه جورج لوکاس است: روایت سلطهٔ استبدادی یک امپراتوری و مبارزهٔ آزادی‌خواهانی که برای در هم شکستن سلطه به گونه‌ای به سلاح دست می‌برند که در گفتمان امروزی تنها می‌تواند عملیات

((تئورستی)) توصیف شود. — م.

6. utopian

7. polis

8. oikos